

در میان همان شب ریجور ضعیفان که استعدادهای خفته و پو شیده میشود ، دل‌هایی می‌تپد و ناله‌های آرزو و امید و حرمان بلند است از ناله‌های نهانی و آهسته فریاد و آتش‌برآید و از قطرات خونی که در راه خیر و حق ریخته شده نهرهای حیات جاری شود و از اشک‌هایی که بر دامن زمین ریخته شکوفه‌های زندگی برود ، چنانکه از درون ظلمت فجر رخ مینماید و در پی سوز زمستان نسیم بهار میوزد و پس از خفتگی و پژمردگی بوته‌ها و سبزه‌ها شکوفان میشوند .

آیت الله طالقانی - تفسیر سوره فجر

در گذشت یکی از پیشگامان نهضت آزادی خواهی ایران

رحیم عطائی

از مؤسسين نهضت آزادی ایران



طت مسلمان ایران یکی از مبارزین صادق و فداکار راه آزادی خود را از دست داد .

رحیم عطائی در تاریخ ۵۶/۵/۹۱ بعد از گذراندن عمل جراحی در بیمارستان میوگیتیک شهر روجستر به علت اختلال در غده مغزی و حمله قلبی در گذشت . رحیم عطائی که بود و چه نقشی در حیات مبارزاتی ملت ما و تاریخ نهضت ملی ایران داشت ؟ تجلیل و یاد آوری مجاهدات و فداکاری دل‌برانگیز در هر یک از مراحل جنبش حق طلبی ملت ما نقش ارزنده‌ای داشته‌اند نه تنها واجب است بلکه دینی است و حقی بر گردن همه رهبران حقشناس این راه و عاقلی برای بقه در صفحه ۳

تغییر دولت در ایران

در باره :

مشکلات فراوانی دست به گریبان است . اقتصاد کشور سریعاً روبه انحطاط می‌رود ، ولی با وجود اختناق حاکم رژیم نتوانسته است مانع رشد مخالفین شود . مایقین در این باره که این اصطلاح "تغییر" دولت جز فریب دادن نیروهای مخالف که به مبارزه خود علیه سیاست اختناق ادامه میدهند هدفی ندارد .

اگرچه تمام کسانی که پشت‌های مهم دولتی را اشغال کرده‌اند در موجود آوردن اختناق درد آور مسلط بر کشور شریک‌اند ، اما مسلماً آنها چیزی جز آلت دست شاه‌نهیستند و به همین خاطر شاه بیشترین مسئولیت‌ها را به وجود آوردن این شرایط انفجاری معیبه دارد . تبلیغاتی که در مورد بهبود وضع حقوق بشر در ایران میشود چیزی جز ظاهر سازی نبوده و هیچگونه تحلیلی در این مورد موجود نیامده است . هدف اصلی این قبیل تظاهرات راضی نمودن دولت کاتر می‌باشد . علیرغم تمام اینها ، محاکمات محرمانه همانند گذشته ادامه دارند ، و محکومیت‌های سنگین بدون داشتن هیچگونه مجوزی همچنان ادامه دارند . برای نمونه آیت‌الله محمود طالقانی ، یکی از بزرگترین مفسرین قرآن کریم را بدون کوچکترین جرمی و بدون در نظر گرفتن سلامت بدنی و کبر سن به ده سال زندان محکوم کرده‌اند . و خانواده ایشان حق شرکت در دادگاه و گرفتن هرگونه اطلاعی از وضع ایشان را ندارند .

در مورد آیت‌الله منتظری که یکی از بزرگترین مراجع اسلامی است و تحت همان شرایط زندانی شده‌اند ، وقتی نمایندگان صلیب سرخ بین‌المللی از سلول ایشان بازدید کردند ، ایشان بدون در نظر گرفتن اختراهای ساواک

بقه در صفحه ۴

هموطنان عزیز : اطلاعیه زیر به از تغییر دولت در ایران از طرف نهضت آزادی ایران به زبانهای انگلیسی و فرانسه صادر و برای مراکز خبری جهان ، سازمانهای بین‌المللی ، احزاب و سازمانهای سیاسی - انقلابی دنیای سوم ارسال شده است . (پیام مجاهد)

اوت ۱۹۷۷

تغییر دولت ایران و استعفای هویدا این شاهیه را بوجود آورده است که احتمالاً شاه میخواهد سیاست داخلی ایران را که بعد از کودتای نظامی اوت ۱۹۵۳ بر این کشور اعمال کرده است تغییر دهد .

با در نظر داشتن این حقیقت که نخست وزیر جدید یکی از مهره‌های رژیم فعلی است و شخص ایشان و بسیاری از هیئت‌وزیرا که با تغییر دولت بروی کار آمده‌اند همکاران و دوستان نزدیک نخست وزیر سابق می‌باشند ، و نیز سه چهارم وزرائی که پشت‌های حساس را در دولت قدیم اشغال کرده بودند در دولت جدید وظایف مهمی را معیبه خواهند داشت ، مایقین داریم که هیچ زمینه‌ای برای تغییر سیاست رژیم وجود ندارد علی‌الخصوص که هویدا وزیر دربار شده است و در حقیقت دربار در ایران همه کاره است .

بعد از کودتای ۱۹۵۳ مخصوصاً در عرض ۱۲ سال گذشته سیاست کشور در اختناق داخلی و وابستگی اقتصادی خلاصه میشود و اکنون بخشی آشکار است که تحت تأثیر این سیاست رژیم مستعرا در کتبه نشون بسا

اربعین شریعتی در پیروت

ایران کردند و هر یک به نوبه خود در انشای ماهیت مسلمان کش‌شاه پرداختند .

در طول این مراسم علیرغم تلاشهای ما مورین ساواک و عمال رژیم در عقیم‌گذاشتن آن ، هزاران نفر شرکت جستند ، و روز نامه‌های مهم عربی به شرح و تأیید آن مبادرت ورزیدند .

رژیم زخم خورده ایران که می‌کوشید از فاجعه شهادت شریعتی به بهترین وجه برای مقاصد پلید خویش بهره‌برداری نماید ، پس از شکست در تمامی برنامه‌های خود ، دست به توطئه دیگری زد . قبل از آغاز مراسم منصور قدر - سفیر سازمان امنیت ایران در پیروت آنچه میتوانست با پول و فشار بی حد و حصر ، سعی نمود که از برگزاری این مراسم جلوگیری بعمل آورد . به وزیر تعلیم و تربیت لبنان پول هنگفتی پرداختند که از برگزاری مراسم در سالن بی‌نسکو که قرار بود مراسم در آن انجام یابد و اعلام نیز شده بود جلوگیری نماید . در فاصله بین تین و بی‌نسکو و مراسم جهلم عنایر شناخته شده رژیم ایران و عراق ناگهانی بیاید فاجعه لبنان افتادند و " اسنادی " سراسر دروغ و تبیعت و افترا علیه نهضت آزادی و پیام مجاهد و شیعیان لبنان منتشر کردند تا از همان رامشوب کنند و پیسر قیمت از هستگی شیعیان مبارز لبنان و ایران جلوگیری بعمل آورند . تمامی تمهیدات رژیم ایران نتوانست از تشکیل مجلس تاریخی بادیود شریعتی جلوگیری کند و این مجلس با اهمیت و اهمیت تمام برگزار شد .

روز نامه‌های مارونی و رهبران آن چون شمعون و همکاران آنها چون قدر و کامل‌الاسعدیه حمله و تبیعت ارتبره و نهضت آزادی ایران نیز سخنانی به بادیود شریعتی

بقه در صفحه ۴

اربعین شریعتی در پیروت

در روز ۱۴ اوت ۱۹۷۷ مطابق ۲۹ شعبان ۱۳۹۷ مراسم پر شکوهی به مناسبت جهلمین روز شهادت علی شریعتی توسط سازمانهای انقلابی و اسلامی که در انتهای خیرنام برده شده‌اند ، در لبنان برپا شد .

شریعتی که حیانتش منشا اثر ، حرکت و جهش مستضعفین خلق مسلمان ایران بود ، شهادتش موجب هم بستگی بیشتر در میان خلق‌های انقلابی دنیای سوم گردید . ناین ترتیب که بمناسبت بزرگداشت شهادت وی و برگزاری مراسم اربعین این شهید حاوید مردم مسلمان ایران ، سازمانهای انقلابی و نهضت‌های ملی و اسلامی چنان سوم در کنار هم و یکدمد ایکار دیگر ، هستگی خود را با مردم مبارز و مبارز ایران علیه رژیم شاه قاطبیت شریعتی نشان دادند . در این روز بزرگ شیعیان لبنان هم صدای شیعیان ایران و به نمایندگی آنها توطئه سکوتی را که میخواست علیه شریعتی ایجاد کرد در دردم شکستند . در این مراسم آقای موسی صدر میزبان سازمانهای انقلابی و اسلامی و ملی دنیای سوم بوده و در طی سخنرانی خود به انشای ماهیت رژیم که شریعتی را شهید کرد و طمع‌های بزرگی چون طالقانی و منتظری را محکوم کرده و به زندان افکنده است پرداخت .

بدنیال وی ابوعمار به نمایندگی سازمان الفتح سخن خود را چنین آغاز نمود :

" . . . دکتر شریعتی نه تنها یک مبارز ایرانی و نه یک معاهد این منطقه بود ، که او مبارزی فلسطینی ، لبنانی و جهانی بود . " پس از آن نمایندگان جبهه آزادیبخش ارتبره و نهضت آزادی ایران نیز سخنانی به بادیود شریعتی

بقه در صفحه ۴

نامه علی اصغر حاج سید جوادی

مقدمه :

نسخه خطی نامه زیر را که علی اصغر حاج سید جوادی خطاب به سردبیر تنگین نامه کیهان و در پاسخ به مقاله سپید آرمود مندرج در همین روز نامه مورخه ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۶ نگاشته ، بدست ما رسیده است . طبیعی آنگاه این نامه در رنگین و تنگین نامه‌های رژیم چاپ نمیشود اما بهر حال این نامه در داخل ایران بطور وسیعی پخش گردیده و با استقبال مردم مارو برور شده است .

این نامه اگر چه خطاب به آرموده و روزنامه کیهان است اما خود قدیمی است در راه رسوا کردن رژیم و بر مسلا ساختن اهداف عوام فریبانه تغییر دولت و مهر باطله زدن برادعاهای تو خالی و مسخره دولت با اصطلاح جدیداً سؤال اساسی دیگری که در رابطه با مطالب آرموده مطرح می‌باشد و باید بدان توجه داشت این است که چرا اخیراً حملات به مرحوم دکتر صدوق و " مدتی‌ها " شدت یافته است و چرا در شرایط کنونی ، که گویا صحبت از آزادی هائی می‌باشد ، از یک طرف آرموده‌های خائن و فاسد و نوکر صفت ناگهان بیاد صدوق افتاده و نسبت به وی این چنین فحاشی میکنند ؟ و از طرف دیگر گروه‌ها و یارو همگنهای بظاهر " مترقی " و بعضاً مدعی مارکسیستی نیز تحت عنوان صدوق نماینده بی‌رزواری ملی و یا لیبالیسم و غیره سعی در تخطئه خدمات والای این رهبر عالیقدر نهضت ملی ایران می‌نمایند ؟ این سئوالی است که البته باید در جای دیگری بحث و بررسی‌گذاشته شود .

باتوجه به جوخقان درون کشور ، نامه حاج سید

بقه در صفحه ۴

د ناله نامه ... سيد ...

جوادى و مشابه آن در رسوا نمودن سياست دولت و نشان دادن پسا پند نمودن رژيم به آزاديهاي سياسي و حقوق بشر و همچنين تبليغات پوچ درباره وضع اقتصاد مملکت بسيار مفيد و موثر مي باشد .

تهران - ۲۸ مرداد ۱۳۵۶

و شما آقاى آزموده ۲۰۰۰۰

آقاى سر دبیر روز نامه کیهان :

در صفحه ۱۷ شماره چهارشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۵۶ روز نامه کیهان نوشته ای از سپهبد باز نشسته حسین آزموده زیر عنوان " شما آقاى نخست وزیر ... " چاپ شده بود و اکنون اگر طبق ادعاهای آقاى نخست وزیر سابق و وزیر و آزادی قلم وجود دارد و دولت در کار سانسور دخالت ندارد و حقایق باید برمدم گفته شود " از شما تقاضا میکنم بنام آزادی و بنام شرافت و حیثیت ملت ایران و تاریخ ایران اگر روزنامه شما زیر نظر سانسور قرار ندارد و بخاطر عدالت و دفاع از حقوق مردمی در مقام نخست وزیرى ایرا جز خدمت بوظیفه هدفتى نداشت و عمر خود را در زندان استبداد و بخاطر دفاع از حق مردم ایران در برابر منافع استعماری بیگانه و مصالح طبقه حاکمه ایران بسسر آورد جواب مرا نیز به سپهبد باز نشسته آزموده برای اطلاع مردم ایران و برای حفظ آبروی ملتى که نسل جوان آن در آینده اورا بخاطر اینبند سگوت و خاموشی لیریز از تحقیر و شرمساری مورد سوزش قرار ندهد منتشر نمائید .

انتشار و یا عدم انتشار این جواب از طرف روزنامه کیهان بدون حذف مطالب و یا دست بردن در آنچه که من نوشته ام صدق و یا کذب ادعاهای مقامات دولتی ایران را در وجود آزادی قلم و حق بیان عقیده در پیشگاه افکار عمومی ایران جایز ثابت خواهد کرد . آقاى آزموده سپهبد باز نشسته يك بار در مقام مدعی و یا به نمایندگی از طرف مدعیان خارجی و داخلی که سالهای دراز حق ملت ایران را بر آزادی و پیشرفت سلب کرده اند با ست دادستانی در دادگاهی که آقاى دکتر محمد صدق نخست وزیر قانونی ایران را بخاطر خود داری از واگذاری رتبه های نفتی ایران به بیگانگان حاکمه کرد بنحو احسن انجام وظیفه نمود . امروز بار دیگر به قول خود به بهانه تقارن این ایام با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در حالیکه خواهر زاده ایشان یعنی آقاى آموزگاره مقام نخست وزیری منصوب شده است به صورت يك مورخ مدعی ! و یا يك مدعی مورخ !! قفسر سائی میکند و با اتکا به این مسئله که آنچه که میگوید و مینویسد بخاطر وجود خفقان و سانسور از سوی ملت ایران بدون جواب میانمرد و یا به عبارت صحیح تر جواب ملت ایران به بخش ها و سزاهائی که ایوانم تاریخ تار یکی از بزرگترین سیاستمداران وطن دوست ایران یعنی دکتر محمد صدق میکند بحالت وجود سانسور و خفقان افکار و عقاید چیزی جز سگوت و خاموشی نخواهد بود در آن دادگاه نیز آقاى آزموده با اتکا به قدرتهائی که دولت طی دکتر صدق را ساقط کردند و حق هر گونه آزادی قلم و زبان را از ملت ایران گرفتند چیزی جز فحش و ناسزا به پیشگاه رهبر نهضت ملی ایران تقدیم نکرد ، زیرا همانطور که همه اسناد و مدارک سازمان اطلاعاتی آمریکا و مطبوعات غربی شهادت میدهند در منطق قضای و حقوقی دادگاه رژیم دیکتاتوری ایران و داستان آن که شما بودید چیزی جز فحش و ناسزا باری دکتر صدق نخست وزیر قانونی ایران وجود نداشت . آقاى آزموده بعنوان داستان دادگاه دکتر صدق و مأمور دست نشانده رژیم دیکتاتوری و دادگاه فرمایشی نظامی و جرایم و مطبوعات آرزویر سانسور مطلق فرمان داری نظامی آقاى تیمور بختیار ، هرگز مدافعان دکتر صدق را مورد توجه قرار ندادند و آترا منتشر نکردند . اتهام واقعی دکتر صدق جز فحش و اتهامات جعلی آقاى آزموده داستان ارتش چه بود ؟ جرم واقعی دکتر صدق دو چیز بیشتر نبود :

۱- گناه اول دکتر صدق این بود که باتمام اعتقادى که به نظام مشروطه سلطنتی داشت و برخلاف دروغهای آقاى آزموده در مقاله کذائى خود بخاطر همین اعتقاد هم بسا کمال شجاعت و جرأتی که در آن روزگار در و سه نفر بیشتر نبود با توفیق بیس سلطنت به سردار سیه به عنوان نماینده مجلس و نماینده مجلس شورای ملی مخالفت کرد و مخالفت که " ششاه باید طبق قانون اساسی سلطنت کنند نه حکومت " حکومت باید طبق اصول صریح قانون اساسی بدولتی واگذار شود که در مقابل ملت و نمایندگان واقعی آن مسئولیت داشته باشد .

۲- گناه دوم دکتر صدق این بود که در برابر امپریالیسم

انگلیس و منافع استعماری آن دولت در منافع نفتی ملت ایران قیام کرد و تا جائیکه میتوانست و قدرت انسانی او اجازه میداد ، یعنی تا آنجا که به قیمت سقوط غیر قانونی او و زندانی شدن غیر قانونی او و محکومیت غیر قانونی او و سپس تعدیل غیر قانونی او تمام شد از این اعتقاد دفاع کرد و جان خود و آزادی خود را در راه ایمان خود به آزادی و پیشرفت ملت ایران از کف داد و اولی هرگز نظیر صد ها چالپوس و فریب طلب و وطن فروش استقلال و آزادی ملت ایران را فدای حاه و مقام دنوی نکرده .

آقاى آزموده وقتی خواهرزاده شما آقاى آموزگار حرف از آزادی و حقیقت میزند من از شما میخواهم که از او بخواهید اجازه دهد تا مدافعان دکتر صدق در دادگاه نظامی که شما در استان آن بودید چاپ و منتشر شود و اگر بیشتر طالب حقیقت هستید از آقاى آموزگار بخواهید که نطق دکتر صدق را در مخالفت با توفیق بیس سلطنت به سردار سیه و علل این مخالفت از رادیو و تلویزیون به اطلاع ملت ایران برسانند تا آشکار شود که دکتر صدق در سالهای سلطنت شاه قید جبر اضطراب شد و جرایم زندان افتاد و جرایم تعدیل رفت و تا آشکار شود که دکتر صدق در مقام نخست و زسری ایران بچه دولت با کور تا ساخط شد و بچه علت به محاکمه و زندان و مرگ در عزت و تنهائی محکوم گردید ؟ نوشته آقاى آزموده همانگونه که لایق منطق نویسنده آن است درباره " دکتر صدق سراسر فحش و تهمت است و ما هرگز قادر نیستیم جواب آقاى آزموده را با همان منطق بدهیم ولی از آنجا که نوشته را همه نخونده اند نمونه هاى از منطق آقاى آزموده را درباره دکتر صدق در اینجا بازگو میکنم تا میزان جوانمردی و شجاعت و عدالت و قدرت منطق دادستان دادگاه دکتر صدق بیکار دیگر به ملت ایران آشکار شود :

" ... مردی بنام دکتر محمد صدق پرورش یافته در خانواده ای سخت پای بند به حقانیت رژیم اریاسرهمیتی با اندیشه کهنه استبدادی بر اساس مارهزه با استعمار در حالیکه خود متعاز از پنجاه سال به استعمار خدمت کرده بود ... "

" ... دکتر محمد صدق چون فارغ از هرگونه قیدی بسر اساس معدویت بود ... " " ... چنانچه آن دستور شرف صدری نیافته بود دادگاهی تشکیل نمیشد که صدق در آن دادگاه برای دفاع از خود در نقشی مثل هنر پیشه ها هذیان بگوید . گاه خنده سر دهد - گاه گریه کند ، گاهی غش کند ... " يك بار دیگر و چند بار دیگر و هزاران بار دیگر این جملات آقاى آزموده را بخوانیم ... بخوانیم ... برای فرزندانی خود ... بخوانیم تا هرگز فراموش نشود : دکتر صدق طرفدار رژیم اریاب - رهپتی و کسیکه پنجاه سال به استعمار خدمت کرده بود ... دکتر صدق فارغ از هرگونه قید معنوی ... !! دکتر صدق هنر پیشه هذیان گو و کسیکه در دادگاه گاه میخندید و گاه میگریید و گاه غش میکرد ... "

بخوانیم تا فراموش نکنیم که این سخنان کسی است که در دادگاه دکتر صدق آگاهانه جز نا حق نگفت و اکنون نیز آگاهانه حزم به ناحب سخن نمیگوید .

صدق که در تمام عمر با استعمار و دیکتاتوری و نطفوز بیگانه و ظردلی مارهزه کرد و راهی جز راه معدویت و انسان دوستی و عدالت نبود ، صدق که برای اولین بار سه شهادت همه مفسرین سیاسی غربی بر استعمار غرب شورش کرده و راه بر استعمار انگلیس و استعمار منابع طبیعی ایران بر بیگانه بست و به عنوان قهرمان ملی شدن نفت در سراسر جهان هنوز مورد تحسین نیروهای متشورسی نیست ... و ما باز بحرف اول خود باز میگرددیم که اگر آزادی بیان به ادعای آقاى آموزگار وجود دارد نه همه گواهیا و شهادت ها و اسناد و مدارک مربوط به دوران نخست وزیری دکتر صدق و " سه هه " اسناد و مدارک مربوط به کودتای ۲۸ مرداد بلکه فقط همان دفاعیات دکتر صدق را در دادگاه نظامی و در مقابل آقاى آزموده و داستان آن دادگاه در روز نامه ها منتشر کنند و در رادیو و تلویزیون بخوانند ، و اگر طالب حقیقت بیشتر هستند بگذاردید سخنان صدق را در شورای امنیت در دفاع از حقوق ملت ایران و بیس حقی استعمار انگلستان در مطبوعات منتشر کنند ، و اگر باز طالب بیشتر حقیقت هستید بگذارید همه اسناد و مدارک مربوط به دوران حکومت صدق و همه گواهیا و نوشته هاى که بعد از حکومت او در کتابها و مقاله ها و تفسیر هاى نویسندهگان آمریکائی و اروپائی در مورد نحوه کار صدق و روشهای سیاسی او و عقاید و افکار او منتشر شده است در مطبوعات ایران منتشر شود . گرچه تاریخ در بررسی حقایق دیدی بسجراولا تیر و فراتر از دروغها و تهمت ها و افتراهای کسانى دارد که پیوسته با اتکا به قدرت و استفاده از خفقان و سانسور

برای دروغ گفتن زبانی باز و وجدانی خفته دارند ، و گرچه ملت ایران در سلطه خاموشی و سگوت طولانی کنونی نیز حقایق تاریخی زمان خود را بخوبی میدانند اما بقول ملای روم :

" کی توان حق گفت جز زیر لطف "

باتوای خشم آوارش سحاف " شما مطمئن هستید که در برابر زور و خشم زورمندان حقیقت را جز در زیر لطف نمیتوان گفت ، اما به این واقعیت اعتراف کنید که سخن ناحب را نیز فقط میتوان در زیر لطف گفت . کسیکه در برابر خاموشی و سگوت ناشی از خفقان از صحن ماندن از عواقب تهمت ها و دروغهایى که میداند گوید مطمئن است در واقع در زیر لطف حرف میزند . می اندید آقاى آزموده لطفی که شما برای قلب حقیقت بر سر خود کشیده اید و در زیر آن در برابر اینبند تعاز به حقیقت برای خود احساس امنیت میکنید چیست ؟ لطف دیکتا - توری و اختناق .

و چون شما در مقاله خود به سخن سعدی استناد کرده بودید من نیز در اینجا بنابر حال دکتر صدق را در جهت طت اینبند و نفرت شما و امثال شما به اوبه سخن سعدی حواله میدهم آنجا که میگوید :

کهای نیک بخت این به شکل منست

ولیکن ظم در کف دشمن است بر انداختم بیخشان از بهشت کونستم به کین مینگارند زشت مراهم چنین نام نیک است لیک ز طت نگوید بداند پیش لیک و زیری که حواه من آیش سر بخت بفرستد باید ز مکرش گریخت ولیکن نیند پشم از خشم شاه دلایر بود در سخن بیگناه اگر محتب گیرد آفرام است که سنگ ترازوی بسارش کم است چو حرم فرم بر آید درست از قسم

مرا از همه حرف گیران چه غم آری آقاى آزموده گناه دکتر صدق این بود که در خواست بیخ استعمارگر و استعمارگرا و نظم استبدادى از بهشتی که آنها برای خود در ایران ساخته بودند برکتند ، و البته که در وجود چنین آدمی که بهشت زورگوشی و غارتگری را در زیر پایشان به لرزه در آورده بود چیزی جز زشتی وجود ندارد . و اگر شما دادستانی دادگاهی که دکتر صدق را به جرم وطن دوستی و افتقار به اصول قانون اساسی و با همردی برای دستیابی ملت ایران به حقوق قانونی خود محکوم کرد برای خود موجب افتخار و میاهات میدانید این افتخار ارزانی شما باد . اما این حقیقت را هرگز فراموش نکنید که ارزش بعضی افراد در همین حد است که در برابر مردمی که در زیر سلطه زور و خشونت محکوم به خاموشی و سگوت هستند سخن نا حق را بقول ملای روم باید از زیر لطف بگویند .

آیا تمهد و مسؤولیت يك ملت در برابر حقیقت و سیلا درونی که در هجوم مداوم خود بسوی حقیقت هر دم وقیحانه تر و بیشترانه تر میشود همین سگوت و خاموشی است ؟ آیا حق يك انسان با تمام حیثیت تاریخی خود در برابر تاریخ و ملت خود باید چنین بیرحمانه بتاراج رود و نسل های آینده ما از دیدن صفحات چنین حقیر و نیکت بار از سگوت و ذلت و ترس از تاریخ گذشته خود به شرمساری به نشینند ؟

بگذارید این صدای حقیقت از درون ابرهای مظلم و تاریک استبداد بگوش فراد و بگوش فرزندان ما ، و بگوش تاریخ آینده وطن ما برسد تا نگویند سایه بلند صدی بزرگ در درون فاعه ترس و سگوت يك نسل نا پدید شد . و تا نگویند که انسانهای بکده و از تاریخ وطن ما همه فضایل مردمی و فضایل مردانگی را در پای معید سگوت و ترس جان و بیم نان قربانی کردند .

و شما آقاى آزموده :

با بی حرمتی ها و هتاکى های خود به ساخت پساك دکتر صدق ثابت کردید که گفته های آقاى آموزگار در معرفی بر نامه دولت خود در مجلس شورای ملی نظیر همه حرفهائی که در نظاره های استبدادی بدون ترس از مسؤولیت زده میشود جملاتی تو خالی و پوچ بیش نیست ، بهائیسد آن حرفها را دوباره بخوانیم و با فحشها و بی حرمتی های شما نسبت بدکتر صدق مقایسه کنیم :

" ... دولت به آزادی بیان و قلم و تحکیم و تقویت نیروهای سازنده ناشی از آن در جامعه ایران ارج و حرمت می نهد و بنیبه خود از مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی انتظار دارد که ضمن انعکاس مسائل و نظرات مردم حقایق مربوط به پیشرفتهای جامعه و اقتصاد ایران را نیز بساز

د مقاله نامه حاج سيد جواد



گو نمایند و حرمت و حیثیت افراد و ارزشهای اخلاقی و بنیادهای نظام اجتماعی را رعایت کنند. اگر آزادی بیان و قلم در منطق آقای آموزگار اینست که آقای آزوده دانی ایشان و داستان دادگاه دکتر صدق با چنین بیان مبتذل و مستهجنی حرمت و حیثیت مردمی را که برای ملت ایران در نزد مردم جهان حرمت و حیثیت بسیار آورد پایمال کند و به ارزشهای اخلاقی و انسانی جامعه ما با چنین نفرت و کینه به مردمی که تحسین ارزشهای اخلاقی بود یوز خند بزند، این آزادی ارزانی دولت آقای آموزگار و قلم نبردان او باد.

تهران ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۶
طی اصغر حاج سید جواد

تهران ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۶
طی اصغر حاج سید جواد

احمد آباد است و خانه دکتر صدق - یا سلطنت آنها و زندان لشکر زهی ؟

چون از مدت‌ها پیش گفته میشد که دولت هرگونه مضیقه و محدودیت را در احمد آباد ازین برده است لذا روز جمعه (۲۹ اردیبهشت) آقایان مهندس منصور عطائی (وزیر کشاورزی کابینه آقای دکتر صدق) حسن نژیبه و مهندس عباس روانیان و رحیم عطائی اعضا مؤسس نهضت آزادی ایران که قصد دیدن جناب آقای دکتر صدق را داشتند به احمد آباد رفتند ولی بلافاصله وسیله مأمورین نظامی بازداشت گردیده و مورد تفتیش قرار گرفتند و با یک جوجه سبز (یک سرگرد چند درجه دار و هشت سرباز مسلح) تحت الحفظ به تهران اعزام و به سازمان امنیت تحویل داده شدند .

در واقع قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ ، رحیم عطائی را نظیر سایر فعالین و سران نهضت دستگیر میسازند . اما در زندان ناراحتی قلبی رحیم که مدت‌ها از زجر می‌داده است شدت پیدا میکند بطوریکه در تمامی مدت زندان وی در بیمارستان بستری بوده است . و بالاخره بخاطر بیماری و کم‌التابی قلبی اش او را آزاد میسازند . پس از قیام تاریخی ۲۲ مهر ۱۵ خرداد ، و قتل عام هزاران مردم بی گناه و بی سلاح ما ، ناراحتی های قلبی رحیم شدت می یابد و معالجات مکرر سوئی نمیدهد بطوری که بالاخره در سال ۳۵۰ (سه حله قلبی شدید) بوی دست میدهد . و بدستور پزشکان از شرکت در فعالیتهای هیجان آور سیاسی محروم میگردد و دست‌درج دچار ضعف و تحلیل قوای بدنی شده با اینحال تا آنجا که میتوانست و طبقه خود را انجام میداد ، معالجات مکرر در داخل ایران و خارج سوئی ته بخشید و بالاخره پس از یک عمل جراحی ، در راه بازگشت به ایران در شهر کانزاس سیتی ایالت کانزاس به رحمت ایزدی پیوست است . از رحیم عطائی آثار زیادی چه در کاگرد " نهضت مقاوت " ملی " و چه در کاگرد " نهضت آزادی ایران " منتشر گردیده است . و همچنین آثار منتشر نشده ای از آن مرحوم در دست است که نماینده بنیاد سیاسی و جهان بینی او می باشند . اکنون او از میان ما رفته است ولی راه او که راه نجات و استقلال ما است مقابلمان گشود و است و همت ما و مسافتی که در این راه طی خواهیم کرد در معرض قساوت و عبرت آیندگان و ملاک سعادت یا شقاوتمان در پیشگاه حق تعالی خواهد بود .

رینا افغرلنا و لاخواننا الذین سبقونا بالايمان .

و با کمک جمعی از دوستان مبارزش ، جنگ سختی را علیه رشوه ، دزدی و حیف و میل در راه آن شروع می کنند . بطوریکه در مدت کوتاهی ، بیلبان سالیانته راه آهن ایران که همیشه ضرر نشان میداده است برای اولین بار بهره نشان میدهد . در این دوران که صراف باوج کبیری مبارزات نهضت ملی ایران به رهبری و دکتر صدق و جنبش ملی شدن صنایع نفت بود ، رحیم عطائی با گروه دوستانش با تمام قوا از جنبش ملی پشتیبانی میکردند و به همین دلیل آنها از دو طرف مورد حملات شدید قرار داشتند . از یک طرف توسط عناصر وابسته به حزب خائن توده ایران تحت فشار بودند و از طرف دیگر از جانب نیرو های ارتجاعی وابسته به دربار ، حزب دموکرات قوام السلطنه . در زمان اختلاف حزب توده با حزب دموکرات ایران به رهبری قوام السلطنه جنگ میان نیرو های اصلی ملی با حبه واحد حزب توده و ارتجاع داخلی باوج خود رسیده بود . راه آهن ایران هم ، به علت تعداد نسبتاً قابل توجه نیرو های کارگری جنبش از هرسازمان اداری دیگری در متن این تظاهرات و تشنگی قرار داشت . و نیرو های اصلی ملی - طرفداران دکتر صدق می بایستی هم در برابر اتحادیه های کارگری وابسته به حزب توده مقاومت کنند و هم در برابر سندها نگاههای قلابی که بدست حزب دموکرات علم شده بودند .

بعد از کوتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، رحیم عطائی به نهضت مقاومت ملی که در شهر تبریز همان سال بدست راد مردان مجاهدی چون علامه طالقانی ، مهندس بازرگان ، دکتر سبحانی ، مرحوم نخب و ... بوجود آمده بود پیوست . و یزودی به عضویت شورای مرکزی و کمیته اجرایی آن درآمد . و مسئول کمیته سیاسی نهضت شد . رحیم در این دوران در تعلیم سیاسی بسیاری از کادر های جوان نهضت نقش عمده را داشته است .

پس از ۲۸ مرداد ، رحیم عطائی بجرم پشتیبانی از دکتر صدق و فعالیتهای میهنی اش از سمت اداری اش معزول و منتظر خدمت میگردد .

رحیم عطائی در سال ۱۳۳۶ ، در زمانیکه نهضت مقاومت ملی مورد یورش و حمله دشمن قرار گرفت ، همسراه با مهندس بازرگان ، سبحانی ، طالقانی ، زنجانی ، شبانسی عزت سبحانی ، بهشتی (محمد تقی) و شهید جاوید علی شریعتی و جمع کثیر دیگری به زندان افتاد . مدت احوالت رحیم در این دوره ۸ ماه بود .

در جریان سالهای ۳۹ و ۴۰ رحیم عطائی ، همراه با سایر همزمانان " تاخس جبهه ملی دوم " هفت مسی گذارد . بطوریکه بالاخره جبهه ملی در ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۹ موجودیت خود را اعلام میکند . اما عناصر ضعیف کج سلیقه و برخی هم بهمارگوته و برخی هم مشکوک و وابسته به محافل و مقاماتی که رشد و قدرت جبهه ملی به نفع آنان نبود ، دست به دست هم داده و مانع شدند که جبهه ملی بتواند رسالت و نقش تاریخی خود را بازی کند . بطوری که در شهریور ۱۳۳۹ جمعی از کادر های نهضت مقاومت ملی ، بهادر هم گرد آمدند و بعد از تحلیل و بررسی اوضاع و احوال آن زمان نظریات خود را بصورت نامه سرگشاده ای برای " شورای جبهه ملی ایران " فرستادند . این نامه با بسمار فصلت میباید تحلیل روشن و عینی از شرایط آنزمان داده است و نیازهای مشخصی را بیان میکند و سپس راه حل های مناسب ارائه میدهد . این نامه باضای سه نفر منجمله رحیم عطائی برای شورای جبهه فرستاده می شود . ابتکار تهیه این نامه و تحلیل مطالب عمدتاً از رحیم عطائی بوده است . انتشار این نامه هر قدر موجب ناراحتی برخی از عناصر عضو شورای جبهه میگردد ، با استقبال بسیار خوب جوانان مبارز در همه جا روبرو میشود .

در اردیبهشت ۱۳۴۰ رحیم عطائی همراه با سایر فعالین و همسران نهضت مقاومت ملی ، تاخس و موجودیت نهضت آزادی ایران را اعلام مینمایند . نهضت آزادی ایران که خود را ادامه دهنده " راه صدق " میدانست است و میداند ، از هر فرصتی برای اعتلای نام دکتر صدق استفاده می برده است . خصوصاً برای درهم شکستن توطئه ایجاد نهضت کاذب ملی - با نهضت ملی منتهای صدق - لذا در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ، جمعی از فعالین و سران نهضت آزادی ، منجمله رحیم عطائی برای دیدار دکتر صدق به احمد آباد میروند .

این ابتکار سیاسی نهضت نه تنها بمنظور بزرگداشت دکتر صدق ، که خواست مردم ماست ، بود بلکه برای نشان دادن بطلان افسانه آزادی صورت گرفت . نشریه نهضت آزادی ایران (مورخ ۳۱/۳/۴۰) خبر این دیدار را شرح زیر داده است :

آقای دکتر امینی

لطفاً جواب دهید
آخا که دکتر صدق اقامت دارد

د نیالند زندگینامه رحیم عطائی
تکون شخصیت تاریخی جنبش و شکوف شدن هر چه بیشتر آن برای آگاه شدن نسل تازه بیدان آمده و جوانان دورنگ داشته از تاریخ واقعی خود .

در پهنه مبارزات آزادیخواهی ملت ما مردانی قد علم کرده اند که هر یک به تناسب زمان و موقعیت کاروان استقلال راه پیش برده و مسیر حرکت را متناسب ایمان و عمل خود گوییده و هموار کرده اند . و شرایط را برای رهروان بعدی مهیا نموده اند . گشتن ندارد که جنبش در هر مرحله ای از رشد و تکامل خود اتخاذ تاکتیک ها و شیوه های مبارزاتی متناسب با همان مرحله را بجا می نماید . تشخیص وضعیت جنبش در هر مرحله و اتخاذ شیوه های مناسب با همان مرحله تنها راهی است که مانع از آن میگردد که جنبش به بیراهه های راست گرائی و یا چپ گرائی بیمار گویته منحرف گردد . اگر کیفیت عمل و تاکتیک مبارزه در گزین شده و روشهای پیشرفته تری شکل گرفته و نسل امروز و جنبش ما دیگر به شیوه مبارزاتی مراحل گذشته اکتفا نمیکند هرگز نباید از این دیدگاه به رهبران جنبش در آن مراحل بضاوت نسبت و فداکارهای آنان راناجیز شود ، چرا که این خلاف انصاف و صداقت انقلابی و نوصی خود بینی محسوب میشود .

رحیم عطائی یکی از دلایر مردانی بود که نقش عمده و تعیین کننده ای در یکی از سرفصل های تاریخی جنبش ملی ما داشت و در سالهای خونین و خفقان بعد از کودتای ننگین و خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در شرایطی که کلبه مبارزین و احزاب چپ و راست سرکوب و خاموش شده بودند شجاعانه با مبارزین راستین دیگری جمعیت زیرزمینی نهضت مقاومت ملی را بنیان گذاشت و بعنوان حلقه ای در زنجیر مبارزه حرکت را استمرار بخشید و در این راه تحمل اسارت و محرومیت نمود و با ایمان و عمل خود پرچم استقلال را سر - سخنان به برافراشته نگه داشت .

نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۹ با اعلام نهضت آزادی ایران رسالت خود را بشکل تازه ای آغاز کرد و مبارز امانت را با همکاری پیشگامان دیگر بدوش کشید .

رحیم عطائی در نهضت آزادی ایران نیز بعنوان مسئول کادر سیاسی ، دانش سیاسی و جنبش دینق از مسائل سیاسی روز ربه جوانان تعلیم میداد و شاگردان بسیاری تربیت کرد . از جمله شاگردان صادق او شهدای بزرگ قرن ما چون محمد حنیف نژادها ، سعید حسن ها و بدیع زادگان ها و ناصر صادق ها بودند که جنبش سیاسی و راه تحلیل درست و واقع را از آموخته بودند و همانها بودند که با امانت راز امثال عطائی ها تحویل گرفتند و به منزلگاه رفیعی رساندند .

رحیم عطائی در اسفند ۱۲۹۸ هجری شمسی در تهران متولد شد . یک سال بعد یعنی در اسفند ۱۲۹۹ (کبود - نای ننگین رضاخان بدستور اربابان انگلیسی اش - مرحله اجراء درآمد .

رحیم تحصیلات ابتدائی را در مدرسه دینی تهران در سال ۱۳۱۳ به پایان برد . یعنی در همان اوانی که استعداد را شناختی در ایران در اوج قدرت خود بود و دستور انگلیس ها و یکم آلت فعل های جنون تنی زاده ، قرار داد امتیاز نفت جنوب برای مدت ۶۰ سال تعدی می گردید . رحیم عطائی دوران دبیرستان را در دارالفنون می گذراند . و در سال ۱۳۱۹ فارغ التحصیل میگردد . یعنی در آستانه سقوط و فرار رضاخان جلا بزرگ ایران . رحیم سپس وارد دانشگاه تهران - دانشکده حقوق و علوم سیاسی میشود . در این دوران است که در اولین انتخابات بعد از شهریور ۲۰ ، مردم تهران دکتر صدق را به پاس مقاومت هایش در دوران سیاه ۲۰ ساله از تهران بوکالت مجلس شورای ملی انتخاب می کنند . دانشجویان دانشگاه و در پیشاپیش آنان ، دانشجویان دانشکده حقوق ، بهر از همه برای انتخاب دکتر صدق کوشش و تلاش میکنند . و همین ها بودند که بعد از انتخاب دکتر صدق ، به خانه وی رفتند و او را به مجلس شورای ملی بردند . تظاهرات دانشجویان در میدان بهارستان که توده های عظیم مردم را بخود جلب کرده بود با حمله نظامیان و رهرو و در اثر ترسانداری دانشجویان دانشکده حقوق کشته شد . رحیم عطائی در این دوران از فعالین دانشگاه بود . رحیم در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل میگردد . و در همین سال همراه با عده ای دیگر از آزاد پخواهان حزب ایران را تاخس مینمایند .

اما بعد از جنبی ، در زمانی که حزب ایران با حزب توده ایران اختلاف میکند ، رحیم عطائی نیز همراه بسیاری دیگر از حزب ایران جدا میشود . و مبارزات ملی خود را در چهارچوب دیگری ادامه میدهند . بعد ها رحیم با استخدام راه آهن ایران در میآید . و به تدریج به ریاست حسابداری آن میرسد . رحیم بعنوان رئیس حسابداری کل راه آهن

سفر شاه به لهستان و چکسلواکی

سفر شاه به کشورهای بلوک کمونیست هنگامیکه ملت ایران زیر بار سرجمانه ترین رژیمهای پلیسی قرار دارد زنده کننده خاطرات تلخی از گذشته روابط با این کشورها است. پیش از هر چیز بگوئیم که این یاد آوری مستقیماً متوجه حکومتهاست که زیر نام کمونیسم با استفاده از شرایط سیاسی جهان سهم خود را از غارتگری ملت‌های جهان ایران به حیب میزنند. این فاجعه ایست که تعامسی سدهای زحمتکش جهان را بر آب داد. و نشان داد که چگونه "ستاد زحمتکش جهان" از یک سوی و "پایگاه انقلاب خلق‌های جهان" از سوی دیگر برای منافع خود و بخاطر ربودن توشه‌ای از این جوان گسترده کشور-های جهان سوم دست به هرگونه خیانتی بخلق‌های زجر کشیده و تحت سلطه می‌زنند و حتی مهارتی نیز به عنوان

در ناله سر مقاله

مغلا دربار شکنجه‌ها و بی‌حرمتی‌هایی که نسبت به زندانیان انجام می‌دهند صحبت نموده و اضافه کردند که گلبه زندانیانی که آثار شکنجه بر بدن‌هایشان مانده بود به زندانیان مخفی فرستاده شده اند. بعد از عجز بهجت نمایندگان صلیب سرخ و آیت الله منتظری را بخاطر این جاسارت شدیدا شکنجه نمودند.

بهبود اوضاع ایران و ارج نهادن به حقوق انسانی در کشور ما مادامی که رژیم ایران کلا تغییر نکند امری غیر ممکن خواهد بود.

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

اعتراض به اوضاع غیر انسانی این کشورها بر زبان نمی‌آوردند. حال اینکا فقط زبان در کام ساکت می‌نشستند و دست در دست ارتجاع و امپریالیسم جهانی، جنبش‌های مردمی را نمی‌کوبیدند. رفتار بلشویکیها را با قائد بزرگ و وطن دوست انقلاب جنگل، میرزا کوچک خان از یاد نبرده ایم و رفتار دولت انقلابی شوری را با دکتر صدق در بحبوحه مبارزه علیه امپریالیسم غرب در راه ملی کردن نفت فراموش نکردیم. پیروزی مبارزه ضد امپریالیستی ایران در گرو مختصر کمک شوری بود و دولت شوری تمام تلاشهای دکتر صدق را نقش بر آب کرد و حتی مطالبات ایران را نادان و طلاهای شوری که میبایست بابت مخارج زمان جنگ بما به پرداخت نگه‌دارد. ولی بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد بدولت سپهبد زاهدی پرداخت.

استالین رفت خرو سف آمد. جنگ سرد میان شرق و غرب فرو نشست. شوری احزاب طرفدار خود را در جهان رها کرد و بمعاطه با دولت‌ها پرداخت. سبیل دلارهای نفتی بایران سرازیر شد. رژیم دیکتاتوری ایران نه تنها غرب را از دلار سیراب کرد بلکه بدان حق السکوت به دولت‌های کمونیست پرداخت. روابط صمیمانه شد. شوری و رومانی و یوگسلاوی و مجارستان و بلغارستان باهمین خون یغما دست‌گشودند. رابطه سیاسی با جمهوری کمونیست چنان گرم شد که چین از سیاست تبلیغاتی ایران و خرید اسلحه از آمریکا پشتیبانی کرد و به پذیرائی‌های مجلل از خاندان سلطنت ایران پرداخت. اکنون شوری بر اساس همین سیاست باجگیری میلیاردی اسلحه و مکتب‌گاز ایران را ارزان میخرد و گران به اروپا میفروشد. اجناس مصرفی مانند کفش و یاقوتی وغیره که با مزد ارزان

تجه در صفحه ۶

اعلامیه

جوانان مبارز اهواز

برادر مسلمان - برای مبارزه با دستگاه دیکتاتوری و نوکرانه پهلوی در زمانیکه با دستکاری مستشاران آمریکائی و اسرائیلی منابع مادی ما را از قبیل (نفت، مس، اورانیوم و درآمد اراضی زیر سردها مانند سد زوسد مسجد سلیمان و دشت قزوين و...) به یغما میبرند و میکوشند منابع معنوی ما را (دین انقلابی اسلام و شیعه و عطای روشنفکر و مجاهدین و بهترین فرزندان خلق را و...) هر چه زودتر تا بود سازند و از اسلام انقلابی هیچ چیز باقی نگذارند. در چنین لحظاتی اتحاد و همبستگی بین کلبه تحصیل کرده‌ها و دانش‌آموزان و دانشجویان آگاه و متعهد از ضروریات است.

بدین منظور چند دستور العمل کوتاه برای یک جنبش مردمی ..

۱- خود سازی، تقویت ایمان و اراده، مطالعه و شناخت تعالیم انقلابی اسلام و قرآن و نهج البلاغه و تائید کفایت شیعه در مقابله با ظلم و خفقان شناخت دیگر مفاهیم اصول قرآنی ..

۲- شناسائی افراد خائن و مزدور و با کسانی که به نفع رژیم سلطنتی و استبدادی پهلوی تبلیغ میکنند ..

۳- عدم همکاری در برنامه‌های تبلیغی رژیم (مانند عدم شرکت با عدم ثبت نام در حزب سپاه استبدادی خود کامه رستاخیز وغیره ..)

۴- عدم سازش و عدم همکاری با جبهه طاغوتی دستگاه معاویه ای پهلوی و عدم همکاری با سازمانها و کمیته‌ها و مراکز تبلیغی رژیم و مبارزه و ضربه وارد کردن بر سازمان‌های امپریالیستی و صهیونیستی و با افراد و با ادارات هائی که به نفع رژیم و امپریالیسم آمریکا کار و فعالیت میکنند (یعنی ضربه وارد کردن بر سازمانهای امپریالیستی طبق دستور قرآن و خدا)

۵- نوشتن شعار بر در و دیوار کلاس و کوچه و بازار و میا معاير عمومی و با پخش اعلامیه‌های انقلابی اسلامی در محیط کار و مدرسه و کتابخانه و مساجد و محل اجتماعات ..

۶- راز داری شدید و مخفیکاری و تقیه و احتیاط لازم و دوری از هرگونه بی احتیاطی و لو رفتن و خالصانه برای خدا و دوری از هرگونه تظاهر و خود نمائی و ..

۷- تهیه و مطالعه و پخش کتب انقلابی سازنده و اسلامی. ۸- همکاری با دانشجویان و گروههای مبارز و انقلابی، و کمک مادی و معنوی به مبارزین و مجاهدین و خانواده‌های زندانیان و شهدا (حمایت از اولیا حق) ۹- رسوا کردن منافقین و ملغین و مأمورین دستگاه فرعون پهلوی ..

۱۰- وسر انجام مبارزه مسلحانه که تنها راه نجات توده‌ها از یوغ اجنبی و امپریالیسم و نوکران آنها یعنی شاه خائن و دار و دسته اش است ..

و کارهای دیگر بابتکار خودتان و با استفاده از آفات و روایات انقلابی در راه بهداری و نجات توده محروم ما برای برپائی نظام الهی و تابودی امپریالیسم و صهیونیسم و نوکران و استبداد و فساد و ترس و ذلت و جهل و کفر و طاغوت و هرگونه بندگی ظالمانه و ..

طرز تهیه اعلامیه: میتوانيد بوسیله تهیه چند کاغذ معمولی و چند کاغذ کپی (کابین) و نوشتن تعلیم اسلام با شمارهای بهدارکننده و دستورات سازنده بیزاری خود را از این رژیم ضد انسانی و ضد مردمی اعلام کنید. و در مساجد و با معاير عمومی و یا محل کار و تحصیل و .. پخش کنید. با رعایت احتیاط لازم.

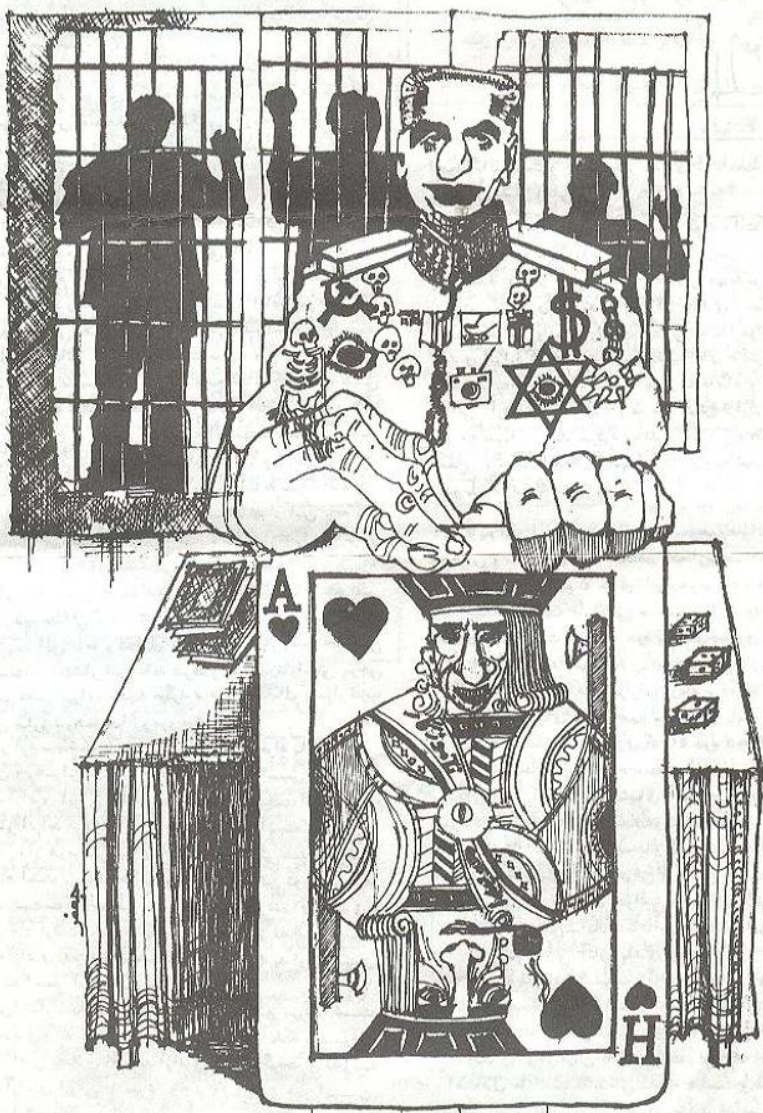
تا بود باد رژیم سر سپرده پهلوی خائن بر قرار باد پرچم عدل و آزادی و تساوی و برادری به دست خلق مسلمان ما

بر توان باد دستهاییکه برای خدا در راه هائی خلق کار میکنند و نیروی طاغوت را به زانو در می‌آوردند.

پیروز باد اتحاد جوانان مبارز اهواز

متن زیر همراه اعلامیه جوانان مبارز اهواز پخش شده است و قائد بزرگ اسلام خمینی در فتوای تاریخی تحریر "حزب رستاخیز" (۲۸ صفر ۱۳۹۵ هـ - ق) به تائیدی از این اقتصادی ایران بوسیله خیانت‌های رژیم مغفور پهلوی- بخصی اشاره فرموده و مینویسند:

"... ملتایران محبور است به کسی رأی بدهد که وضع کشاورزی و دامپروری ایران را چنان به عقب رانده که اکنون باید گندم، برنج، گوشت، روغن و سایر ارزاق را با قیمت‌های هنگفت وارد کند. شاه که در آغاز طرح باصطلاح "انقلاب سفید" به دهقانان نهد می‌دهد که در سایه



تغییر دولت و تغییر سیاست رژیم !!

اخساری از :

زندانهای شاه

طریقہ ادعای پویشی رژیم در مورد رعایت حقوق انسانی در ایران و رفتار صحیح با زندانیان سیاسی نامہ ای از ایران و از درون زندان بما رسیده که ما همنا آنرا همانطوریکہ بدست ما رسیده است نقل میکنم :

۱- ناراحتی هایی که برای زندانیان بوجود میآورند :

- ۱- بهجهت به کمته بودن ، شکنجه جسمی و روحی
- ۲- جلوگیری از ملاقات با خانواده
- ۳- سرگردان کردن خانواده ها با انتقال بهجهت از قصر
- ۴- کمته و اوجین و برعکس
- ۵- تبعید برخلاف قانون بزندان شهرستانها باسم انتقال بزندان دیگر در حالیکه اگر دادگاه محکوم کننده لازم میدانست در حکم قید میکرد که بفلان زندان در فلان شهرستان منتقل شود .
- ۶- ندادن کتاب و امکانات مطالعه بجز آنچه خود دستگاه میخواهد .
- ۷- عدم امکان ارسال ترجمه ها و نوشته های علمی زندانیان بخارج برای نشر که این خود میتوانند کفای مالی برای مترجم باشد (بخاطر تبلی مأموری که باید آنها را مطالعه کنند)
- ۸- جلوگیری از صحبت زندانیان باهم و حتی تنبیه و سلبول افرادی فرستادن افراد بدین طسبت .
- ۹- فراهم کردن تفضیلات برای نماز مخصوصا دسته جمعی و حتی فردی ، تراشیدن ریش افراد مذ هبیبی کتک زدن ولخت مادر زاد نگه داشتن و بزندان مجرد فرستادن آنها .
- ۱۰- عدم تأمین جانی کشتن زندانیان باسم فرار . استاگشته (مصطفی خوشدل و ذوالنوار و بهژن جزئی و ۰۰۰۰) شدن و نفر باسم فرار راهم میداند .
- ۱۱- نامناسب بودن وضع بهداشتی و درمانی — نبودن دندانپزشک که برای زندانیان دندان بگذارد تا دچار عوارض بعدی از دندان داشتن دندان نشوند .

زندگی يك مجاهد در زندان :

۱۲- مجاهد باقر بیگدلی که از مدتہا قبل ناپدید و مجهول-الکمان شده بود و پدر و مادرش سخت در تگاپوی یافتن او بودند بالاخره از زندان قصر سر در میآورد .

نامبرده که محصل "مدرسه عالی ارتباطات" بوده در تیسر ماه گذشته (سال ۵۵) پس از یکسال زندگی مخفی بسلام پلیس می افتد . بقرار اخبار واصله نامبرده در یکی از گروه های اسلامی فعالیت داشته و دروان محکومیتش فعلا مشخص نیست .

روحیه مجاهد بیگدلی در زندان باعث تحسین همگان ا و حتی در دیداری که یکسال بعد از دستگیریش با پدر و مادرش داشته در جواب سؤال "حالت چطور است؟" میگوید "مگر خدا غیر از خوبی چیز دیگری برای من خواسته که ناراحت باشم". درود بر استقامت و پایداری او و همه مجاهدین راه خدا .

سازمان شیعیان راستین

بر طبق گزارشات رسیده درسال ۳۵۴ گروهی از جوانان مسلمان گرد هم آمده و در همدان تشکیل سازمانی بنام "شیعیان راستین" دست زدند و بر طبق موازین و آیدیلوژی اسلامی شروع بکار کردند که فعالیتهای آنها را در چند سال اخیر باطلاع شما میرسانیم :

- ۱- آتش زدن سه سینما که در نتیجه منجر بخرابی کامل یکی از آنها شده و تعطیل آن بعدت یکسال و نیم . دیگری که کمتر آسیب دیده بود ۳ ماه تعطیل شد و سومی که آتش نشانی زود بدادش رسید کمتر آسیب دید و این گروه مسئولیت انفجار سینمای قم را هم بعهده گرفتند .
- ۲- آتش زدن سه ماشین که یکی مربوط به فعال رژیم ماشین گشت شهریانی و یک ماشین غارتگران آمریکائی و یک ماشین متعلق به یک یهودی جنایتکار .
- ۳- آتش زدن دو مشروب فروشی و یک کاباره
- ۴- بقتل رساندن ۴ نفر از عناصر کتیف ساواک در ضمن در شهر مذکور گروهی دیگر در طی سه ماه متوالی موفق به هلاک کردن مقدار هنگفتی پول از بانک سپه (یکبار از مرکز و بار دوم از شعبه آن) شدند و با مهارت و زرنگی خاصی بدون دادن تلفات جان سالم بدر بردند .

خبری تازه از زندان

اخیرا رژیم که تحت فشارهای خارجی برای آزاد کردن زندانیان قرار گرفته است به عناوین مختلف به آنها تکیه محکومیت سبکتری دارند رجوع کرده و از آنها درخواست التزام کتبی مینماید تا آزادشان کند . وقتی بابی اعتنایی زندانیان رو برو میشو اعلام میکنند که حتی با التزام شفاهی نیز موافقت کرده و مبارزین در بند پاسخ میدهند که زمانیکه مارا اسیر کردید هیچ التزامی نداشتید . ما هم تنها آزادی بدون قید و شرط را می پذیریم والا همین جا خواهیم ماند .

بد نهال این ماجرا بمناسبت سالگرد مشروطیت نام تعدادی از زندانیان را که باین مناسبت آزاد شده اند اعلام میکنند . مبارزین آزاد شده پاسخ میدهند در صورتی زندان را ترک خواهند کرد که زندانیان دیگری که نامشان برده نشده است نیز همراه آنها آزاد شوند .

اینگونه مقاومتها توسط مبارزین در بند عامل بزرگی در تقویت روحی زندانیان میباشد .

گزارش زندانیان :

۱- در زندان قبر از طرف زندانیان سیاسی بمناسبت شهادت دکتر شریعتی مراسم یادبود اعلام میشود . این خیر موجب میشود که مأمورین کتیف ساواک و رژیم مبارزین بجان زندانیان سیاسی افتاده آنها را شدت مسود ضرب و شتم قرار دهند ، بطوریکه در حال حاضر وضع عده زیادی از آنها وخیم است .

در همین رابطه زندانیان سیاسی اعلام اعتصاب فلذا میکنند . مأمورین ساواک آنها را که در این اعتصاب شرکت داشته اند بزندان عادی که محل مجرمین و جنایت کاران حرفه ایست منتقل نموده و از ملاقات آنها با خانواده هایشان جلوگیری میکنند .

۲- حدود یک ماه قبل در زندان قصر در مورد غذا و اوضاع زندان از طرف زندانیان اعتراضاتی میشود بدنهال این اعتراضات یکروز صبح تمام معترضین را بحیاط زندان آورده تا غروب در زیر آفتاب طاقت فرسا نگاهدارند .

اشلا عید

در جریان برگزاری مراسم یادبود ملی شریعتی و بمناسبت شهادت وی اعلامیه های متعدد در داخل و خارج کشور صادر شده است که تعدادی از آنها همراه با مقالات پیام مجاهد حد اگانه در یک مجموعه بنام "یاد نامه شهید جاوید علی شریعتی" از طرف نهضت آزادی ایران منتشر شده است علاقمندان میتوانند آنرا از دفتر پیام مجاهد درخواست نمایند .

قُرُوتُ وَرَبِّ الْكَلِمَةِ !
بخوانند کلمه ، رهاشدم !

تهنیت

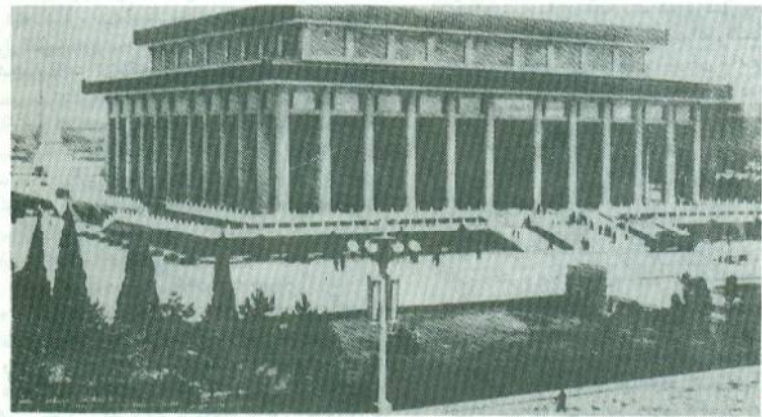
تهنیت مرد مبارز
تهنیت بپسر بهایی که رساندی
تا بصحرای شهادت جان بخشی
و موحد گئی امروز ،
آنچه با نام احد ،
در هاون تاریخ ،
در حصار نفوس بسته ، ظالم ، مانده دست بجا
استمرار کلامت بود
"خوب مردن هنر است"
"هر شهیدی بهایی دارد"
آسوده بهارام
که ما در زره خون بناحق ریخته خلیق می جنگیم
تا آخرین قطره خون .
و ما ،
با تعاضیت نیرو پیمان بستیم
نشتمین زنا ،
تا بنشانیم بر جا
خلقت سبیل الله
کز محمد مانده و ،
ز خون پاک حسین است بجا
و اینک توده رزمنده خلیق دست
... و رهاننده سگان حبیبی ،
اما ،
لاله زاری ست سنگرها
که بجنگیمو بجنگیم و بجنگیمو ...
و بایندگان یاد دهیم .
گر اسلحه نیست ، ناخن و چنگ
با بن دندان ، با تارچه ها
با مردک چشم .
برسانیم پیام ،
در جاری زمان ،
در رنگهای حیات ،
در نفس های طبیعت ،
که بهیا راز همه سومناید
لاله ها میرویند
گل های سرخ شهیدان
همچنان بارورند

۲۱ خرداد ۱۳۵۶

بیگاری خلق !

و خاطره جدیدی از بنیادی دیوار معروف چین که در طول ۱۰۸ سال و به قیمت از دست دادن ۲۰ میلیون کارگر چینی به پایان رسید و ده ها میلیون نفر به بیگاری کشیده شدند . رهبر فقید چین بهرگونه استثمار و بهره کشی انسان از انسان پایان داد ! و نوع جدیدی از شخصیت پرستی و بت پرستی را بنیان نهاد که بر اساس آن هرکس که بهره کشی قابل توجه است و اینست مذهب جدید چین ، مائو تسیم !

چنین گو سفندی را بزرگی - رها نید ازدهان و جنگ گرگی شیانگه کار در بر حلقش بمالید - روان گو سفندی بسالید که از جنگال گرگ در رسوای - چه دیدم عاقبت گرگم تو بودی



آرامگاه مائو : نموداری از حکومت دهقان - پرولتاریا !!

د نالک اعلامیه جوانان مبارز اسلام

اصلاحات ارضی ، غله مورد نیاز کشور در داخل تأمین میشود اکنون بجای خجالت زدگی ، افتخار میکند که دو ملیون و نیم تن گندم و چهار صد هزار تن برنج وارد کرده است . در صورتی که مطلقین میدانند که یک استان ایران مثل خراسان قدرت تهیه گندم برای تمام کشور را داشت و ایسن قدرت را " انقلاب سفید " سلب کرد .

امام خمینی در پیام نام برده به عدم وجود یک صنعت مستقل اشاره میکند وضع کشاورزان و کارگران روز بروز وخیمتر شده و از صنعتی شدن مستقل و غیر وابسته خراسانی نیست و نخواهد بود ملت شریف ایران که نه زراعت دارد و نه صنعت ، باید با فقر و فلاکت دست به گریبان باشد و بسا به عطشی برای سرمایه داران تن در دهند

امام خمینی در اعلامیه نامبرده به این خیانت و هوس بازی خرم با بحبارت دیگر یکی از مسائل حاد اقتصادی روز یعنی " خارج شدن پولهای نفت " اشاره کرده و میفرماید : " . . . آمریکا از ذخائر هنگفت نفت خود استفاده نمیکند و از دیگران میخرند که برای مصالح کشورش محفوظ باشد ولی شاه ایران این طلای سیاه را فروخته و خزانه ایران و ملت را تهی میکند و درآمد آنرا بجای اینکه صرف این ملت بماند برهنه و گرسنه نماید به اربابان استعمارگشروا میدهود و با سلطه های خانمان سوز و مغرب می خورد تا از منافع و مطامع استعمارگران در ایران و منطقه تنگبانی کند و به خون ریزی و سرکوبی جنش های ضد استعماری ادامه دهد . تا دیروز با وامهای کمر شکن از خارج اقتصاد ایران را به ورشکستگی می کشانید و امروز با دادن وامها و خرید اسلحه ملت را به افلاس کشانیده از رشد باز میدارد . معاملات اسارت بار بخصوص معامله ۲۵ ملیون دلار ی اخیر با استعمار آمریکا ضربه نابود کننده دیگری است که شاه به اقتصاد ایران وارد ساخته و چوب حراج تازه ای است که بر ثروت و ذخائر ملت محروم ایران می زنند

به نقل از جزوه با ارزش " ایدئولوژی اسلامی و سدنه اقتصاد "

د نالک سفر شاه

کارگران ایران و به قیمت استعمار آنها تهیه میشود و از واردات طلب شوری و سایر کشورهای کمونیستی است . گاهی حمایت بلوک کمونیست از رژیم ایران منظره ای مضحک و در همین حال غم انگیز پیدا میکند . خیمه شب بازی جشن های ۲۵۰۰ ساله که در تخت جمشید بها شد ، سران دول سرمایه داری چون نیکسون ، پمپیدو ، هانته مایان و ملکه الیزابت از بیم افکار عمومی مردم و طشهای خسود در آن شرکت نکردند و مطبوعات غربی به رژیم پهلوسی و اصراف ملیپارده ها پول در آن جشنها شدیدا اعتراض کردند و ولی آقای یادگونی صدر هیئت رئیسه " اتحاد جماهیر شوری سوسیالیستی ! و مارشال تیتو چریک معسوف ضد فاشیست یوگوسلاوی ، چائو ششکو رئیس جمهوری کمونیست رومانی و سایر سران کمونیست در آن مراسم سناک کسبه خیمه های ملیون تومانی آن از فرانس و فندهای گرم آن رستوران ماکسیم پاریس با طیاره وارد میشد ، شرکت کردند .

اکنون ملت ایران حق دارد سئوال کند: چرا امروز که خاندان سلطنتی ایران از بیم فشار افکار عمومی غمگین بشود و دعوت نمیشوند ، دست در همین موقع کشورهای کمونیست در محیطی گرم از آنان پذیرا نشی شاهانه میکنند ؟ و مسخره ترین صحنه هارا مردم ستکس ایران از این پذیرائی بر صفحه تلویزیون می بینند ، که نان و نمک خوران و آشتی کتان فاشیسم و کمونیسم است . استناد از بزنان در سیتی طلایی نان و نمک بحضور شاه میآورد و شاه در مقابل ، کلید قلب خود را به استناد از کمونیست هدیه میکند . چرا وقتی در نابعلیه و وضعیت حقوق بشر در ایران اعتراض میکند ، رژیم ایران هصد ا با برزنف کمونیست و دیکتاتورهای فاشیست برزیل و او رو گو و پارانگوئه و کره جنوبی و شیلی و برزیل فریاد اعتراضشان بلند میشود ؟ آنها حمایت آشکار بلوک شوری از رژیم ایران دعوت شاه ایران بلهستان و جیکسلاویکی دلیل بر این نیست که بلوک شوری میخواهد بار دیگر رژیم ایرانرا از لبه پرتگاه سقوط نجات دهد و هرگز حاضر به برقراری یک نظام مستقل طی و مترقی سیاسی در کنار مرزهای جنوبی جمهوریهای سلطان نشین خود نیست ؟

این روش مارا بیا دگفته خرو شوف به والت ریلیمن مفسر آمریکائی میاندازد که : رژیم ایران یک میوه فاسد است که هر وقت رسید و افتاد بدامن ما می افتد ما عجله ای برای درگیری با آن نداریم . آنها همین منطق شوری را وارد نکرده است که در مقابل باج و حق السمکت دمور دسالها زندان و شکنجه و کشتار حتی طرفدار خود و سایر آزادخواهان ایران بی اعتنا باشد و از رژیم دیکتاتوری پهلوسی

توضیحات جدید در مورد زنان مسلمان

بنا بر اخبار رسیده رژیم کوشش خود را در جهت بی حجاب کردن زنان مسلمان ادامه میدهد . اخیرا رژیم نگهبانان مخصوصی در دانشگاه مستقر کرده است تا اسم دانشجویان دختر را با حجاب رایاد داشت کنند . ولی در برابر این عمل تجاوزکارانه ، با عکس العمل شدید دانشجویان روسرو شده است . بدین معنی که در روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۶ دانشجویان دانشکده های علوم ، ادبیات ، فنی و پزشکی دست به اعتصاب زدند و رژیم را وادار به عقب نشینی کردند .

یکی از چهره های کثیفی که در محارای کشف حجاب نقش موثری داشته است ، محبری شاپور راسخ (همسر شاپور راسخ بهائی و عضو ساواک) است . این زن که رئیس گروه روانشناسی دانشگاه تهران و ندیده فرح است ، سال گذشته سبیلگی از دانشجویان متعدد دختر کنگ فعلی خورده و کوشالی میشود بطوریکه نامرده برای معالجه بسوئیس رهسپار میگردد . این زن فاسد پس از مراجعت هم بخاطر خوش رخصی و هم بعلت عقده ای که از زنان مسلمان دارد در اردوی مبارزه با زنان مسلمان قرار میگردد . ننگ و نفرین باین همه فضاخت .

حطه مأمورین ساواک به خیر نگار اشترن :

در اوائل تیرماه اسناد فرانتس نارنارونی خبر نگار اشترن مجله المانی (آلمان غربی) که بعد از چندین سال مأموریت در ایران از راه زمینی عازم آلمان بود در نزدیکی زنجان در تاریکی شب ، وقتی که در ماشین خود مشغول استراحت بوده است مورد حطه سه نفر نژاد دار قرار میگردد . حطه کنندگان پس از آنکه وی را محروم میسازند ، با دستبند زدن به اشیا ماشین ، فرار میکنند . مقامات دولتی ایران که گویا از برنامه حطه و سپس محروم شدن وی اطلاع داشته بودند ، بلافاصله در محل حاضر شده وی را به بهارستان میبرند و . . . پس از مدای اولیسه در بهارستان شفیمه زنجان با هلیکوپتر به تهران منتقل مینمایند . (کیهان ۱۵ تیر ماه ۵۶) و در بهارستان پارس تهران بستری و ممنوع العلاقات مینمایند حتی هویت او را نیز مخفی نگه داشته بودند تا مادا کسی مطلع شود و با با او تماس بگیرد .

گفته میشود که حطه باین خبر نگار توسط مأمورین ساواک ترتیب داده شده بود . " دزدان " پولهای او را نبرده بودند . بلکه کلیه وسایل عکاسی و یادداشتهای او را برده اند . فرانتس مدتها در ایران بوده است و اسناد زیادی قلمی از نساد و زدی رژیم و همچنین مبارزات خلق و بخصوص طرز برخورد رژیم با مخالفین خود داشته است . دزدان ساواکی با حطه به ماشین وی در صدد بودند که مانع خروج اسناد وی از ایران بشوند . بهمین دلیل فقط وسایل عکاسی وی و یادداشتهاش را بردند . اماگویی ظاهرا فرانتس قبلا همه یادداشتهای اصلی خود را توسط همسرش به خارج فرستاده بود . و باین ترتیب تیر ساواک به سنگ میخورد و رسوا میشود . برای سرپوش گذاشتن بر توطئه خود ، فوری اوربا هلی کوپتر به تهران میفرستند ، آخرکی و کجا چنین سابقه ای وجود داشته است که به ماشینی حطه کنند و بلافاصله مأمورینی باشند و هلی کوپتر هم حاضر ، و فوری مجروح را به تهران برسانند !!؟

ایران دفاع کند

اینجا درس عبرت برای کسانی است که کورکورانه بیک قدرت را نماینده صادق یک ایدئولوژی میدانند و ادامه رابطه رژیم شوری با رژیم فاسد لون نول در کامبوج و رابطه صمیمانه چین با رژیم جبارینهو شرقی و حمایت چین از رژیم های دیکتاتوری جهان به بهانه رقابت با شوری و حتی تحویل فراریان سیاسی چون سروان قبادی را به پلیس ایران که پیشهای اشرف در راه سفرش به شوری میفرزله گوشخند قربانی کردند ، فراموش میکنند .

البته تعجب ندارد که چین و شوری و همچون کشور های سرمایه داری بدین راه کشیده شوند . مگر آنها کالای نوزی بارمقان آوردند ؟ هرچه باشد صنای فکری هر دویکی است ، عامل کلمه تحولات مادی است ، و باید این ماشین مصرف کننده عظیم به هرنحوی بگردد ، خواه به نام پرولتر و خواه به نام بورژوا . یا توسط پطر کبیر و چیان گای چک و بهر کس را کتله هموز و بسا بوسله امپراطوری مائو و هو و برزنف .

اکنون خلقهای زحمتکش ناظر تسخر و پیوزخند رهبر جهاننی پرولتاریا !! میباشند که به نام آنها باشعار احقاق حقوق آنها به جمیع ترین وضعی به غارتشان پرداخته و بار دیگر چشم بسوی اسلام آزاد بخش بسرای نجاتشان از این توطئه دوخته اند .

د نالک اربعین شریعتی

و افترا پرداختند . روزنامه الاحرار از قول جمیل نوشت که " شریعتی سمارکسیت بوده است . روز بعد از جلسه قدر کامل الاسعد را برای ۱۵ سپتامبر بایران دعوت کرد تا همسنگی شاه با کامل الاسعد را بنام نمایند شهبان لبنان اعلام دارد . روز بعد نیز قدر به ملاقات وزیر خارجه لبنان رفت تا " مراتب اعتراض دولت ایران را به حملاتی که بآن شده ، اعلام دارد و تقاضای استرداد نماینده نبهت آزادی ایران را بنماید . و که در صورت عدم استرداد ، روابط سیاسی قطع خواهد شد !! که این بار نیز تشران به سنگ خورد . سازمانهای ایرانی شرکت کننده در این مراسم معتقد شدند که تمام سخنرانیها به عربی و فارسی و خلاصه ای از آنرا به زبانهای انگلیسی و فرانسو ترجمه و منتشر نمایند . بدین لحاظ ، بهام مجاهد تنها به اعلام خبری مختصر از مجلس عظیم اربعین شریعتی همراه با نام سازمانهای دعوت کننده اقدام می نماید .

* * *

سازمانهای دعوت کننده این مراسم (لجنه التکریم) به ترتیبی که دراصل دعوت نامه آمده اند :

- حرکت المحرومین لبنان
- الفتح
- امل
- نیرو های عاصفه
- نبهت آزادی ایران
- مرکز برنامه ریزی فلسطین
- مرکز تحقیقات فلسطین
- اتحادیه انحن های اسلامی دانشجویان در اروپا
- انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا (گسره فارسی زبان)
- اتحادیه معلمین فلسطینی
- روحانیون مبارز ایران
- اتحادیه عمومی کارگران فلسطینی
- جبهه آزاد بخش اربتره
- جبهه خلق برای آزادی اربتره
- نبهت آزادی بخش طی زنگبار
- نبهت طی برای آزادی جنوب فیلیپین
- نبهت آزادی بخش طی خلق زیمبابوی
- و
- دوستانان دکتر علی شریعتی .

متن عربی این دعوت نامه در زیر بنظر خوانندگان عزیز می رسد .

لجنة التکریم

- حركة المحرومين في لبنان
- حركة التحرير الوطني الفلسطيني (فتح)
- افواج المقاومة اللبنانية (امل)
- قوات العاصفة
- حركة التحرر الابرانية
- مركز التخطيط (الفلسطيني)
- مركز الدراسات الفلسطينية
- الاتحاد العام للطلبة المسلمين في أوروبا (القسم الفارسي)
- اتحاد الطلبة المسلمين في أمريكا وكندا (القسم الفارسي)
- اتحاد المعلمين الفلسطينيين
- رجال الدين المناضلين الابرانيين
- الاتحاد العام للعمال الفلسطينيين
- الجبهة الشعبية لتحرير اربتره
- جبهة التحرير الابرانية
- حركة التحرير الوطنية الزنجبارية
- الحركة الوطنية لتحرير جنوب الفلبين
- حركة التحرير الوطنية لشعب زيمبابوي
- اصداقاء الدكتور علي شريعتي

رنالیه اخبار

مأمورین ساواک در خیابان به یک دختر چادری مشکوک شده او را تعقیب میکنند. دختر بخمال اینکه این عده از جوانهای مزاحم هستند سرقتش را بیشتر میکند تا از دست آنها بگریزد. اما مأمورین مزبور دختر را در یکی از کوچه ها دستگیر و بداخل ماشین میاندازند. دختر از ترس زانانشیند میآید بطوریکه بعد از سه ساعت کسه او را آزاد میکنند هنوز قادر به صحبت کرده نبوده است.

کشتار مردم توسط رژیم:

رژیم که برای شکنجه نمودن انقلابیون و گرفتن اقرار از آنها سعی در زنده بدام انداختن آنها داشت اکنون تحت تاثیر فشارهای خارجی در مورد زندانیان سیاسی وسفله شکنجه در ایران نمیتواند همان برنامه هارا دنبال نماید. از طرف دیگر دستگیری و نگهداری انقلابیو در زندان نیز اشکالات فراوان دیگری بهمراه دارد. بنا براین مدتی است که علنا سعی در بدام انداختن و کشتن انقلابیون در کوچه و خیابان دارد. بدیهی است که در این جریان عده زیادی از مردم عادی نیز که مورد سوء ظن قرار بگیرند توسط مأمورین رژیم حلاک گشته میشوند. اخبار زیر نمونه هایی است از این کشتار بی رحمانه:

در کوکب گفنی (حوالی چهارراه مرادی) دو جوان مشغول طغن کردن بودند که دو نفر مسلح جلو آمدند بدون هیچ مقدمه ای آنها را بضرب گلوله از پای در میاورند. بعد از ۲۰ دقیقه بوسیله ماشینی که آنجا میرسد دو جوان مقتول را میبرند.

در بازار تهران دو نفر با اسلحه جلو فرود جوانی آمده وبدون دلیل چند گلوله در بدن او خالی کرده وی را در جا میکشند. زن و مردی با دیدن این صحنه حالشان بهم میخورد وبیهوش میشوند.

درگیری انقلابیون:

طبق گزارش روزنامه های رژیم پسین کاظم عنبرانی و پلیس رژیم یک درگیری نا ساری در مشهد روی میدهد که ناصربه برای خنثی کردن اقدامات پلیس جهت دست گیری وی مجبور به خوردن سیانم شده و در راه بیمارستان در میگذرد.

در خیابان ژاله طی یک درگیری میان پلیس و انقلابیون پاسان و بهرمدی (بدست پلیس) کشته میشوند و هر سنه انقلابی موفق بفرار میگرددند. این جریان در روزنامه ها درج نشده است.

در روز شماره گذشته پیام مجاهد خبریکه حاکی از حمله مجاهدین بیک مؤسسه وابسته به رژیم واقع در خیابان آشیخ هادی بود درج شد طبق اخبار واصله این حمله توسط گروه مهدویون صورت گرفته است.

جشن میلاد امام زمان (ع) در روز ۱۵ شعبان:

امسال جشن میلاد امام منتظر و منتظر مهدی با شکوه و جلال بیشتری انجام گرفت و توده های عظیم ملت سلمان ما که بر شرایط ظلم و جور استبداد دافوقتی اسیر هستند اینبار با آرزو و انتظار بیشتری بظهور حکومت حق و عدل امام قائم اجتماعات پرشکوهری کردند و تنها در یکی از این اجتماعات که از طرف انجمن ضد بهائیت ترتیب یافته بود حداقل سی هزار نفر شرکت کرده بودند و قبل از شروع برنامه ظرفیت محل پر شده بود و جمعیت باقیمانده بهاده روهای خیابان پهلوی و تخت جمشید را اشغال کردند.

امسال با آنکه نبودن برق بصورت فاجعه ای در آمده است، مردم در شب میلاد حضرت ولی عصر با استفاده از موتورهای شخصی برق تولید کرده و بطور بی سابقه ای مساجد را چراغانی کرده و جشن گرفتند. همه جا آبه های ان الله لا یخیر ما بقوم حتی یشیروا بانفسهم و نیردان نئن علی الذین استضعفوا فی الارض. . . .

زینت بخش محالین بود.

شب تولد حضرت امام حسین در مسجد صاحب الزمان واقع در بخش نیروی هوایی (کوکا کولا) بهیست متری رضا پهلوی، مراسم باشکوهی برگزار بود. سخنران بمناسبت این روز به تفسیر کلمه شهیدبا استناد به قرآن و نهج البلاغه پرداخت. و با اشاره ای به شهدای تمام زمانها از شهید علی شریعتی یاد میکنند و از وی نقل قول میآورد که: "استعمار و استبداد از گله شهید پیش از هر چیز هراس دارد."

خاموشی سرق در تهران و شهرستانها:

با اینکه دولت ایران سر و صدای براه انداخته و میگفت برق اضافی راه ترکیه و پاکستان صادر میکنم، خود در تأمین برق برای ملت ناتوان مانده است و نه تنها برق بلکه آب مورد نیاز مردم را هم نمیتواند تأمین کند. و اکنون همه حاضمت از بی آبی و بی برقی است و مردم نه بچخال ویکه به در درشان میخورند و نه حمام.

خاموشی برق همچنان ادامه دارد و مردم میگویند یک اصل به اصول ضد انقلابی اضافه شده است.

بعلت خاموشی های منتد اخیر موقعیت مناسبی فراهم شده است تا شعارهای انقلابی بر دیوارها نوشته شود.

شایع است که توربین های سد های سفید رود و چند سد دیگر در ماههای گذشته توسط گروههای انقلابی منفجر شده است و علت کسود ناگهانی برق ایران و خصوصاً تهران معلول این انفجارها است.

نامه وارده

خواننده محترمی بما نوشته اند که نقل قولی که مادر شاعره ۴۸ در بالای صفحه اول از نامه دکتر شریعتی باحسان درج کرده ایم کلمه "آخوند بازی" اشتباه چاپ شده و در نسخهای که ایشان داشته اند "رهبانیت" نقل شده است.

پیام مجاهد: چون نویسنده نامه بالا آدرس خود را نداده اند ما ضمن عرض تشکر از دقت ایشان حواب را اخبارا در نشریه چاپ میکنم:

نقل قولی که ما کردیم عینا از صفحه ۵۱ جزوه "نامه ای به پسر" تکمیر ارتاداده انجمن اسلامی دانشجویان در اروا و انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا میباشد و در آنجا همان کلمه آخوند بازی بکار رفته است.

ما ضمن تشکر مجدد از نویسنده خواهش داریم که اگر ایشان نسخه ای دارند که در ایران چاپ شده در صورت امکان برای دفتر پیام مجاهد ارسال دارند.

اخبار دانشگاهها در رابطه با شهادت علی شریعتی:

۱- در روز ۳۱ خرداد نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران برپا شده پس از آن دانشجویان بهاده روی را شروع کرده از درب شمالی دانشگاه خارج شدند و با دادن شعار ها تا بلوار الزیارات رفتند. قبل از اینکه پلیس حطه ور شود دانشجویان متفرق گشتند.

۲- روز اول تیر ماه دانشجویان در تریای دانشگاه علوم اجتماعی جمع شده پس از بهم زدن و شکستن شیشه های تریا و دانشگاه از درب دانشگاه (جنب مشروب فروشی خیابان الزیارات) خارج میشوند و با دادن شعارهای "شریعتی قاتل ترا میکشیم" تا چندین خیابان رفتند و سپس شیشه های دو بانک را میشکنند و متفرق میگرددند.

۳- روز جمعه سوم تیر صاف با روز کنکور تظاهرات شدیدی توأم با شعارهای "الله اکبر- شریعتی ناصربه شریعتی را کشته اند- شریعتی قاتل ترا میکشیم" در جلوی محوطه دانشگاه تهران برگزار شد. در روزهای کنکور اعلامیه های متعددی پخش گردید.

۴- روز یکشنبه ۵۱/۴/۵۱ دانشجویان با قرار قبلی در بازار شروع به تظاهرات نموده و مسازنی فاصله چهارسوق بزرگ تا چهار سوق کوچک با رسیدن پلیس متفرق میشوند. شعارهاشان "الله اکبر- درود بر خمینی- درود بر شریعتی- مرگ بر شاه جلال" بود. مردم حطه متآثر شدند و حمایت خوبی کردند. در همین روز یک اعلامیه بیرون صفحه ای در درون پاکت بین بازاریها پخش شد. که نمونه هایی از آنرا بدیوارهای بازار جسیانده بودند. در این جریان مجموعاً ۴ نوع اعلامیه پخش گردید. (چند در تهران وجه در شهرستانها). این اعلامیه هادر مجموعه ای بنام یادبود شهید جاوید توسط نهضت آزادی ایران منتشر شده اند.

۵- بعد از خبر شهادت علی شریعتی تظاهراتی در خیابان آریزنهاور از مقابل دانشگاه صنعتی شروع میشود. تظاهر کنندگان به یک شرکت تجاری آمریکائی حمله کرده و شیشه های آنرا خرد میکنند و سپس همه فرار میکنند.

۶- دانشجویان دانشگاه علم و صنعت بخاطر شهادت مجاهد علی شریعتی در مسجد دانشگاه به بهیست می نشینند در آنجا یکی از دانشجویان به ایراد سخنرانی میپردازد.

۷- روز سه شنبه ۵۶/۴/۷۲ تظاهراتی در دانشگاه طی برپا گردید.

۸- بمناسبت شهادت دکتر شریعتی بر روی دیوارهای دانشگاه شعارهایی از قبیل "ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله"

شریعتی زنده و جاوید است و دشمنش شاه جلال مرده است . . . نوشته شده بود.

۹- مشهد- بعد از پایان کنکور جزوه هایی تحت عنوان به "شهر خون خوش آمدند" و "دکتر علی شریعتی شهید شد" در جزوه های مختلف دبیرستانها و هنرستان رضا شاه کثیر پخش گردید. در روز بعد از کنکور نیز در جلوی مسجد شاه همین جزوه میدادند پخش میشوند و سپس جمعیت متشکل از ۳۰۰ نفر با دادن شعارهای مذکور مسیری را که از پهلوی مسجد شاه شروع و به بازار سرشور ادامه مییافت طی میکنند. در جلو جمعیت یکنفر نقادار که حامل پرچمی بود حرکت میکرد. در پایان پرچم را بر روی نانوائی سرشور گذاشته و میروند. ماشینی با بلند گو در خیابانشا شهادت مجاهد علی شریعتی را اعلام نمود که مزدوران ماشین را متوقف و سرنشینان را بازداشت میکنند.

۱۰- تبریز- روز دوم تیر در دانشگاه تبریز تظاهراتی برای مجاهد کثیر دکتر علی شریعتی برپا شده دانشجویان بکوچه و بازار میروند. در همین روز دانشجویان فنی تهران نیز دست به تظاهرات زده و تعدادی شیشه را درخیابان شاهرضا می شکنند.

۱۱- بعد از انتشار خبر شهادت دکتر علی شریعتی ساواک برای جلوگیری از عکس العمل مردم بخصوص در شهرستان های خراسان به تاکتیکمی افتد، ولی باز هم از خاموش کردن مردم عاجز میگردد. ساواک میوزار برای کنترل مردم از مشهد نیروی کمکی میگیرد و با این حال شبانه عده ای از مجسسه شاه بالا رفته پوست هند وانه ای بر سر او میگذارند و تمام اندامش را با نجاست می پوشانند. در همان شب بغضاله هر ۲۰ متر اعلامیه هایی در اطراف میدان و خیابانها می جسیانند. لازم بتذکر است که این عطیات با چنان مهارتی انجام میشود که هیچکس گرفتار نمیشود.

رنالیه چهلمین روز شهادت علی

رامی پوشیدم دیگر محفل ما را نور و حرارت نمیداد. عده ای از پروانه های بال سوخته از تهران و مشهد و برخی از شهرستانهای دیگر ایران در جوار مشهد الرضا درخانه پدرش بهرامون این بهرورد بزرگ سوخته دل گرد آمده بودند تا یاد دکتر شریعتی بزرگ را گرمی دارند.

پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، مقاله ای تحت عنوان "خورشید خاور" خوانده شد بنیاد خورشید خاوری که از خراسان سر برزد و در اوج نیروزی شرف فرو نشست و یاد آوری نور و حرارتهایی که این خورشید به روشنائیان ارزانی داشته به مدت بهیست دقیقه. سپس آقای مهندس بازرگان خطابه ای با سخنرانی ای ایراد کردند در جهت برده برداشتن از معماهایی که وجود شریعتی را در بر گرفته بود با یک تحلیل علمی فیزیکی و در پایان هم القبا و امید و حرکت برای ادامه راهی که شریعتی آغاز کرد.

پس از سخنرانی چهل و پنج دقیقه ای آقای مهندس بازرگان، آقای قدسی شاعر و ادیب شهیدی خطابه ای با استفاده از آثار خود دکتر بیان کرد و پس از وی هم بهرورد بزرگ و دل سوخته دیگر خراسان جناب آقای سید غلامرضا سعیدی چند کلمه ای از داغ دلپاشیشان را بگوش حاضران رسانیدند. حاضران پس از پایان این سخنران متفرق نشدند و تا پاسی از شب در آن منزل میگردیدند. گوئی هنوز اندواری بودند از کمالات پرورتنی که روزگاری منبع روشنی بخش بود جرعه آبی برگیرند یا قفسی نور دست آرند بالاخره نزدیک به نیمه شب یعنی هنگام به پرواز درآمدن روح بود و باریدن سلام تا مطلع فجر که یکی دیگر از روانگان و پامرغ حقیقه صدرا آمد و زندگینامه علی شریعتی با بهتر بگوئیم اندیشه نامه و وجود نامه اروا خواند و شور و حالس ایجاد کرد. و بعد از تهیه های شب بود که باقیماندگان در آنجا باهمی سرشار از درد به زحمت از آنجا گند شدند و هر یک راهی منزل خود گردیدند و چهلم با رحمت علی هم سپری شد و روزها و شبها هر یک در پی یک دیگری آیند و می روند و همچنان با دلی شریعتی یاد آورماست و از دل ما بیرون نمی رود.

در رابط خیابانهای تهران بمناسبت چهلمین روز شهادت دکتر شریعتی شعار "شریعتی را شهید کردند ملت ما قاتل آگاه خواهد شد و قیام خواهد کرد" به چشم میخورد.

شب ۱۵ شعبان در حسیینه بنی فاطمه بعد از جشن اعلامیه ای بمناسبت چهلیم شریعتی پخش شد که امضای آن "متقدمین- بسود"



آیت الله طالقانی

حکومت

مجاهد کبیر آیت الله طالقانی یکی از مؤسسين نهضت آزادی ایران که بیش از نیمی از عمر خود را در سباهالهای شاه گذرانیده اند ، بار دیگر توسط این رژیم پانزده سال زندان محکوم شده اند . گزارشات زندان بسیار نگران کننده اند . مانسبت به سلامت این مجاهد شهیر بیمناک هستیم . متن زیر نسخه خطی اطلاعیه آقای مهندس بازرگان است که به مناسبت محکومیت ایشان در ایران منتشر شده است . نسخه ماسین شده آن در بهام مجاهد شماره ۴۹ به چاپ رسیده .

بسم الله الرحمن الرحيم
شهرستان ۱۳۶۷

حضرت آیت الله العظمی در معراج عظام دست بر گاهم
دلایح حکمتی می نماید . زمانه که امر قضا و تقاضا در کتب جامع شده ، نه در کتب تفصیلی
بند نظام بر نه قبول علم از در کتب نیست شکو . و در اول مجاهد خواندن در و ما مبرین
دفع از حق بر می آید . به بر سبب نداشتن و نمانی می طبع بشد مجاهد خواندن و دست بر گاهم
حضرت عظام بخوبی آنان را می شناسد که در کتب طالقانی را می شناسد . از فضل و زنده
از می داند در سینه ایشان در سینه قرآن دار است و جوانان تیر کسب دارند در
این سینه جلدی از سنان بر می رانند در زمان این معجزه است که تمام در
میرد ، با همه در از آنانند در تقیاه و در نهایت بر سبب خود . سبب در این ملاحظه بر کن و
کسب تمام میوه است . میر معتمد که در این زمانه در تهران حاکم است ، در این سینه است ، در
حاکم افکار است ، در این سینه است در این زمانه ، در این سینه است . در این سینه است در این زمانه
که در این سینه است ، در این سینه است که در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است
طریق ما به نظامی (در سینه بر نیاید) نه در سینه محکوم نموده اند !
از کتب طالقانی که در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است
آیا که در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است
آیا در سینه حکومت نقل خودشان در سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است
دفع در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است
اللهم ان رغب لک فی دلتی که در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است ، در این سینه است
مهر طالقانی

اخبار

تظاهرات و درگیری خیابانی :

۱- همزمان با جشن روز کارگر عدهای کارگر در خیابان دروازه غار تهران تظاهراتی براه انداخته و شعارهای ضد رژیم میدادند و با ورود پلیس به صحنه هگس فرار نمودند .
* در برورد کارمندان ساده (سپهر) شهرداری برای دریاقت اضافه حقوق دست بیک اعتصاب میزنند و در جلوی شهرداری بست می نشینند ، و بعد از تقریبا یکروز اعتصاب شهرداری را وادار به دادن اضافه حقوق میکنند .
* ماه گذشته در دولت آباد (جنوب تهران) بین مردم منطقه و مأمورین شهرداری درگیری شدیدی رخ داد . دولت آباد محلی است که عدهای از مردم در زانغهای بسیار متروک و حتی زیر زمین زندگی میکنند . به بهانه اینکه این محل خارج از محدوده است از طرف شهرداری ... مأمور با پولد ز برای خراب کردن زانغها با تانکا میروند . این مردم فقیر که جانی جهت زندگی کردن جز همین منطقه نداشته اند برای دفاع از حریم خود بجان مأمورین افتاده با چوب و سنگ فراریشان میدهند ، سرانجام شهرداری مجبور به واگذاری آن محل بصاحبانش میشود .
* در روز ۱۵ خرداد (۵ جون) در خیابان ۳۰ متری نارنگ از یک ماشین لندرو که شماره اش با ۲۳ شروع میشود مردی ۳۰ یا ۴۰ ساله بر روی سر موتور سواری (موتوگازی) که در آن حوالی بود سپرد او را شیب بازرسی قرار میدهد . سپس او را سوار لندرو کرده و میبرد لازم به تذکر است که شماره اکثر ماشینهای ساواک با ۲۳ شروع میشود و ماشینهای ارتش با شماره ۷۹ .

شدت کنترل مردم توسط ساواک :

* در خیابان شاه تهران کنترل بی حد است و روزانه تعداد زیادی عابر را بازرسی بدنی میکنند .
* خانم اولاد زاده یکی از معلمین متعهد و مسلمان دبستان بهشتی در محله نیروی هوایی بود . او بر اساس تعهد اعتقادی اش سعی در آگاه کردن شاگردان خود داشت و روی مسطه حجاب و مبارزه با فحشا که رژیم روز بروز آنها بیشتر دامن میزند بسیار تکیه میکرد . افشاگری های این بانوی متعهد سبب شده بود که محبوبیت زیادی بین شاگردانش بدست آورد . لذا بدستور ساواک او را از حق تدریس محروم کرده و از ادامه کارش در آن مدرسه جلو گیری بعمل آورده اند .

بقیه در صفحه ۷

یادبود شهید علی شریعتی

برگزاری چهارمین روز شهادت در مشهد

چهل روز از شهادت یادآور بزرگ و معمار توانای تجدید بنای تفکر اسلامی گذشت . امام ریخ که در این مدت امکان برگزاری مجلس یادبودی در ایران میسر نگشت تا دوستان و دوستانش و جوانان تشنه از تعلیماتش گرد هم آیند و خاطره عزیزش راگرامی دارند و تجدید عهد و پیمانی کنند . افسوس و درد که دوستانش چه غم زده و دلخورند . این بار بزرگ غم تشنه را در این مدت تحمل کردند . حد اقل کار ممکن در شرایط خفقان حاکم بر ایران عزیزت بمشهد بود و در شهر امام غریب برگزاری مراسم غریب وار چهل . از تهران و شهرستانها جمعیت کثیری در عصر چهل در خانه دکتر در پیشگاه پدر بزرگوارش جمع شدند و اطافها و حیاط و کوچه را پر کردند و تجدید پیمان و خاطره ای کردند . در این مراسم آقایان سید غلامرضا خوشی رفته و پس از شکستن شیشه های سرپرستی کوی و اضافیهای نگهبانان ، با شعار الله اکبر در مرکز کوی جمع میشوند و پس از تجمع و حرکت و شعار دادن متفرق میشوند . با توجه به رشد اختناق و سلطه پلیسی ، اینگونه کارهای حساب شده و برنامه ریزی شده نایاب تر شد دانش مبارزاتی و تکامل علمی ما ریزین است . در دانشگاه علم و صنعت نیز در روز ۱۶ خرداد ماه (شنبه) تظاهراتی صورت گرفت .

سعدی ، سعید مهدی جعفری ، استاد مهندس بازرگان و قدسی سخنرانی های ارزنده ای کردند و جمعیت از خانه دکتر دل نمی گندوتا پاس از شب خارج نمیشد ، بالاخره در ساعت ۱/۵ نیمه شب با سخنرانی دکتر سامی مجلس خاتمه یافت . متن این سخنرانی ها چاپ و منتشر خواهند شد . متن زیر گزارشی است که از آن مجلس یادبود رسیده است و ما عینا در اینجا می آوریم :
"چهل رمزی است از به کمال رسیدن ، یا بهتر بگوئیم پخته شدن انسان . موسی چهل روز در میقات پروردگار به سر برد و محمد (ص) در سن چهل سالگی به نبوت و رسالت مجتوب گردید ، و بشر چون چهل سال تجربه و خطا را پشت سر گذاشت به پروردگارش رو می آورد و از او می خواهد اکنون وی را در مسیر ثابت و مستقیم قرار دهد که بتواند از نعمتها و امکاناتی که پروردگارش به او ارزانی داشته به جا استفاده کند و به عمل صالح مرضی خدا پیش موفق گرداند و دنباله شایسته ای بوی عطا فرماید . در این حال بطور کامل باور و می آورد و از صلحین تسلیم شده به پروردگار میگردد (احقاف / ۱۵)
روز پنجمین ۶ مرداد ۱۳۵۶ چهل روز بود که ما شریعتی را از دست داده بودیم . نوری از میان ما رفته بود . مشعل فروزانی که در پرتو شعله پروردگار

بقیه در صفحه ۷

یادبود ۱۵ خرداد

در قم پلیس از دو سه روز پیش از ۱۵ خرداد مدارس طبعیه خان ، خجسته و حقانی را محاصره نموده و کاملا مراقب اوضاع بوده است و برای ایجاد رعب از یک هفته جلو تر گاه و بیگاه به مدرسه خان و حجتیه هجوم میبرد و کارت شناسایی می خواسته است . در یکی از این یورشها آقای ملازاده داماد آیت الله غفاری شهید را دستگیر میکنند . ایشان مدت سی فراری بوده است .
بناسبت سالروز قیام ۱۵ خرداد ۴۲ اعتصابات و تظاهراتی در دانشکده ها و دانشگاهها صورت گرفت که از آن جمله :
... تظاهرات در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران -
در روز ۱۶ خرداد دانشجویان پس از تجمع بطرف درب ورودی دانشکده حمله میکنند و پس از شکستن شیشه های ساختمانها به خیابان ریخته و با دادن شعارهای الله اکبر در درود برخیزی - درود بر شهید ۱۵ خرداد ، توجه مردم را به خود جلب میکنند .
... تظاهرات در کوی امیر آباد (کوی دانشگاه تهران) در بعد از ظهر روز ۱۵ خرداد عده ای از دانشجویان مسلمان به سبکی بسیار حساب شده تظاهراتی در کوی دانشگاه راه میاندازند . باین صورت که افراد را از قفس برای محل هائی که قبلا شناسائی کرده بودند نامی میکنند تا موعده اعتصاب برسد . آنگاه هر گروهی بدنبال مأموریت